

## شرایط تحقق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی افغانستان

حسین داد کامران\*

### چکیده

اشخاص حقوقی و مسئولیت کیفری آن، در نظام حقوقی افغانستان سابقه تاریخی طولانی ندارد و با روی کار آمدن قانون جزای ۱۳۵۵ و نیز تصویب قانون مدنی افغانستان در همین سال، به بحث اشخاص حقوقی و مسئولیت کیفری آن نیز توجه شده است. در نظام حقوقی افغانستان، این اشخاص به دو دسته اشخاص حقوقی عام مثل شرکت‌ها و مؤسسه‌ها، و دوایر دولتی و اشخاص حقوقی خاص همانند شرکت‌های خصوصی تقسیم می‌شود. با توجه به این دسته‌بندی، نگارنده در تحقیق حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌ای، به دنبال پاسخ این پرسش است که آیا این اشخاص مسئولیت کیفری دارند یا خیر. در صورتی که پاسخ مثبت باشد، در چه شرایطی می‌توان مسئولیت کیفری را برای این اشخاص بار کرد؟ بنابر آنچه از قوانین افغانستان بر می‌آید، اشخاص حقوقی عام، دارای مسئولیت کیفری نیستند و صرفاً اشخاص حقوقی خاص، مسئولیت کیفری را باید برعهده بگیرند. همچنین این اشخاص در صورتی مسئول جنایت‌ها و ضررهای وارده هستند که ممثلین، رؤسا، وکلا و نمایندگان این اشخاص در حین انجام وظیفه، به نام و یا به حساب آنها مرتکب شده باشد.

**کلید واژگان:** اشخاص حقوقی، مسئولیت کیفری، ممثل، رئیس، وکیل.

## مقدمه

واژه «مسئولیت» به معنای تحمل مجازات است و این مورد انواع گوناگون مانند مسئولیت کیفری، مدنی، اخلاقی، دینی و اجتماعی می‌تواند داشته باشد. مسئولیت، بیشتر به مفهوم الزام یا تعهد به اجرا یا ایفای امری به کار می‌رود. در حقوق جزا، مسئولیت به معنای پذیرش نتایج مجرمانه رفتار مرتکب است؛ زیرا به مجرد تثبیت ارتکاب جرم نمی‌توان شخصی را تعقیب عدلی و سپس مجازات کرد، بلکه عدالت ایجاب می‌کند تا شخص، دارای قدرت تحمل مسئولیت کیفری باشد. به عبارت دیگر، این امکان و زمینه موجود باشد تا بتوان جرم را به شخص نسبت داد.

باتوجه به موارد فوق، به صورت عموم، اشخاص در دو دسته جای می‌گیرند: دسته اول، اشخاص حقیقی، و دسته دوم، اشخاص حقوقی. ساحت مسئولیت اشخاص حقیقی، در قوانین مشخص است، اما در صورتی که اشخاص حقوقی مرتکب جرم شوند، امکان انتساب جرم به آنها وجود ندارد؛ زیرا آنها در گام نخست باید قدرت تحمل مجازات را داشته باشند که این افراد فاقد این ویژگی هستند. بنابراین، باید بررسی کرد که در نظام حقوقی افغانستان، در چه شرایطی می‌توان این اشخاص را دارای مسئولیت دانست و مجازات را برای آنها تحمیل کرد. بدین ترتیب، در پژوهش حاضر برای بررسی این بحث، ابتدا به مفهوم اشخاص حقوقی، سپس شرایط تحقق مسئولیت کیفری آنها و در پایان به بررسی مصادیق نمایندگان اشخاص حقوقی می‌پردازیم.

## الف: مفاهیم

برای طرح و بررسی دقیق موضوع تحقیق حاضر، لازم است مفاهیم اساسی آن که بدنه اصلی این تحقیق را سامان داده، با دقت مطالعه شوند. بر این اساس، در ادامه ابتدا مفهوم مسئولیت کیفری و سپس مفهوم اشخاص حقوقی را بررسی خواهیم کرد.

## (۱) مفهوم مسئولیت کیفری

«مسئولیت»، رکن اصلی و اساسی در نظام کیفری است. مسئولیت کیفری، رکنی از ارکان جرم نیست و زمانی ظهور می‌یابد که پیش‌تر، ارکان جرم تحقق یافته باشد. با وجود این، مسئولیت کیفری، حاصل و اثر اجتماع رکن‌های جرم در شخصی است که مستحق پیامدهای رفتار مجرمانه خود باشد. هرچند لازمه تحقق هر جرمی تجمع ارکان سه‌گانه قانونی، مادی و معنوی آن است، گاهی با وجود این تجمع، به دلیل اختلال تام قوه‌ی تمیز و اراده در زمان ارتکاب جرم و موانع فراروی مسئولیت کیفری، مرتکب، استحقاق مجازات ندارد. (موسوی مجاب، ۱۳۸۸، صص ۱۴۱ و ۱۴۲) بنابراین، مسئولیت کیفری که شرط اجرای مجازات است، بعد از ارتکاب جرم بررسی می‌شود. براساس آنچه بیان شد، می‌توان مسئولیت کیفری را به پابندی شخص به تحمل پیامدهای جزایی

رفتار مجرمانه خود- در قالب مجازات یا اقدامات تأمینی- پس از احراز اهلیت جنایی، تعریف نمود. (شریفی، ۱۳۹۴، ص ۴۶) استفاده از اصطلاح «شخص» به جای «فرد» در تعریف فوق، به خاطر توسعه مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی است. در دوره‌های گذشته، تصور اهلیت جنایی و به دنبال آن مسئولیت کیفری برای موجودات غیرانسانی، با این تصور که آنها فاقد جسم و روح هستند، دشوار بود، اما حضور فراگیر انواع گوناگون اشخاص حقوقی در عرصه‌های اجتماعی، همچنین ارتباط تنگاتنگ تحولات بشری با فعالیت‌های این اشخاص، به ویژه پس از انقلاب صنعتی و سپس فرایند خصوصی سازی، اعتبار آنها در نظام‌های حقوقی به عنوان یک واقعیت قضایی و اجتماعی روزافزون شد. این امر تا آنجا پیش رفت که به اعتبار روح و اراده جمعی حاکم بر مجموعه حقوقی، انتساب تقصیر به آنها ممکن دانسته شد.

بر همین اساس، قانون‌گذار افغانستان برای اولین بار در سال ۱۳۵۵ در ماده ۹۶ قانون جزا بیان داشته است: «۱. اشخاص حکمی (حقوقی) به استثنای مؤسسات، دوایر و تصدی‌های دولت از جرایمی که ممثلین، رؤسا و وکلای آن در اثنای اجرای وظیفه به نام و حساب اشخاص حکمی مرتکب می‌گردند، مسئول شناخته می‌شوند». با استناد به ماده فوق، اولین بار نظام حقوقی افغانستان، در سال ۱۳۵۵ شاهد ورود مسئولیت کیفری و به رسمیت شناختن اشخاص حقوقی در عرصه کیفری بود. در ادامه با لازم‌الاجرا شدن کد جزای افغانستان در سال ۱۳۹۶ باز هم تعریف قانون‌گذار در قانون جزا ۱۳۵۵ تأیید شده و در ماده ۸۵ کد جزا به آن پرداخته است.

## ۲) مفهوم اشخاص حقوقی

برای «اشخاص» که جمع کلمه «شخص» است، در علم حقوق تعریف خاصی بیان نشده، اما در عرصه حقوقی، «شخص» به کسی گفته می‌شود که دارای حق و تکلیف باشد. (ظفرنژاد، ۱۳۹۴، ص ۱۵) برخی نیز اصطلاح اشخاص حقوقی را به معنای اعم آن به کار برده‌اند که در این معنا، اشخاص حقیقی را نیز شامل می‌شود. شخص حقوقی، از اجتماع و تشکل و هم‌بستگی افراد انسانی یا اشخاص حقیقی، به منظور انجام اهداف خاص اعم از انتفاعی و یا غیرانتفاعی، بنابر مقررات خاص قانونی به وجود می‌آید. (شامبیاتی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۶)

شخص حقوقی، در ترمینولوژی حقوق به گروهی از افراد یا منفعتی از منافع عمومی اطلاق گردیده که قوانین موضوعه آن را در حکم شخص طبیعی و موضوع حق و تکلیف قرار داده باشد، همانند شرکت‌های تجاری، انجمن‌ها، دولت و شاروالی. (لنگرودی، ۱۳۹۲، ص ۳۷۸). بنابراین، تعریف، شخص حقوقی عبارت است از دسته‌ای از افراد که دارای منافع و فعالیت مشترک هستند یا پاره‌ای از اموال که به هدف خاصی اختصاص داده شده است و قانون، آنها را واجد حق می‌شناسد و برای آنها شخصیت مستقلی در نظر گرفته است، مانند دولت، شاروالی، شرکت‌های تجاری و

انجمن‌ها و موقوف‌ها. (ظفرنژاد، ۱۳۹۴، ص ۱۷)

در قوانین افغانستان اشخاص حقوقی، به شخص حکمی تعبیر شده و تنها تفاوت آنها عبارت حکم است و هر دو به یک مفهوم برمی‌گردد. هرچند که اولین بار در سال ۱۳۵۵، قانون جزای افغانستان به بحث مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پرداخته، شخص حقوقی را تعریف نکرده است. با این حال، سه ماه و هشت روز بعد از تصویب قانون جزای ۱۳۵۵، قانون مدنی افغانستان نیز به تصویب رسید و قانون‌گذار در ماده ۳۳۷ این قانون، «شخص حقوقی» را تعریف کرد: «شخص حکمی، شخصیت معنوی است که واجد اهلیت حقوقی بوده و بنا بر اهداف معین به شکل مؤسسه، شرکت یا جمعیت تشکیل می‌گردد».

بنابراین، مراد ما از تعریف اشخاص حقوقی، همان موضع قانون‌گذار افغانستان بوده و به این مورد، در ادامه تحقیق حاضر توجه خواهد شد.

### ۳) انواع اشخاص حقوقی

بر اساس مفاد ماده ۳۳۸ قانون مدنی افغانستان که قانون‌گذار در این ماده به دسته‌بندی اشخاص حقوقی پرداخته، می‌توان اشخاص حقوقی را به دو دسته تقسیم کرد:

یک - شخصیت حقوقی عام، که این مورد، دولت، ارکان دولت، اداره‌های فرعی یا شعبه‌های مربوط به آن و تأسیسات عامه را شامل می‌شود.

دو - شخصیت حقوقی خاص، که این مورد ناشی از اراده افراد خصوصی است و به صورت جمعیت‌ها، وقف، مؤسسه‌ها، شرکت‌های مدنی، تجاری و مانند آن به وجود می‌آیند و یا آمده باشند؛ مگر اینکه قوانین، چنین شخصیت‌هایی را عام تعریف نمایند. بر اساس ماده ۸۵ کد جزای افغانستان، مؤسسه‌ها، دوایر و تصدی‌های دولتی از ساحت مسئولیت کیفری خارج هستند و نمی‌توان برای آنها مسئولیت کیفری بار کرد؛ زیرا اداره‌های مربوطه، به امور عام‌المنفعه می‌پردازد و انقطاع در کار آنان، سبب بروز مشکلات فراوان در جامعه می‌گردد. بنابراین، مسئولیت کیفری صرف، متوجه شخصیت‌های حقوقی خاص می‌شود.

به بیان دیگر، معمولاً تا زمانی که جمعیت‌ها و تشکلات اعم از انتفاعی و یا غیرانتفاعی به ثبت نرسند و یا قانون به آنها شخصیت قائل نشود، شخصیت حقوقی به وجود نخواهد آمد. قانون‌گذار افغانستان در ماده ۳۳۹ قانون مدنی این کشور بیان داشته است: «مجموع اشخاصی که واجد شرایط و عناصر لازمه یک شخصیت حکمی هستند، توسط قانون به حیث شخص حکمی، می‌تواند شناخته شود.» شخصیت حقوقی، شرکت‌ها و مؤسسه‌هایی اعم از تجاری و غیرتجاری بسته به ثبت آن در دفتر رسمی است. ثبت شرکت‌های غیر تجاری مطابق قانون تجارت افغانستان نیز ضروری پنداشته شده و در صورت ثبت نشدن، آنها شایسته برخورداری از شخصیت حقوقی نخواهند بود.

**ب: شرایط تحقق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی**

پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی، یکی از موضوع‌ها و مسائل پیچیده در حقوق کیفری است. اصل بر آن است که اشخاص حقیقی، مسئول شناخته شوند؛ زیرا جرم به صورت عمدی یا بر اثر خطا، اشتباه یا تقصیر آنها واقع می‌شود. در هر دو صورت، در هر یک از این اعمال ارتكابی، عمدی یا غیرعمدی بودن و آگاهی از قوانین و اراده، شرط است، درحالی که داشتن ادراک و شعور، مختص اشخاص حقیقی یعنی انسان‌هاست و از این جهت، انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی، پرسش برانگیز است. (رسولی، ۱۳۹۶، ص ۲۳۸)

این مورد در ماده ۸۴ کد جزای افغانستان به صراحت بیان شده که با توجه به فقره ۱ ماده ۸۴ کد جزا: «مسئولیت کیفری، یک امر شخصی است». پرسشی که در این زمینه ایجاد می‌شود، این است که در صورت ارتكاب جرم، فقط اشخاص حقیقی مجازات شوند یا می‌توان مسئولیت را متوجه خود شخصیت حقوقی نیز دانست؟ برای مثال، در شرکت‌های بزرگ، وقتی کارمند موظف آن، به نام و حساب شرکت، مرتکب تقلب مالیاتی می‌گردد یا اینکه اسنادی را به نفع مؤسسه مذکور جعل می‌کند یا پولی را به شکل غیرقانونی به مرجع دیگر انتقال می‌دهد، در چنین مواردی گرچه شخص حقیقی مرتکب جرم می‌شود، هدف، رساندن سود به مؤسسه نیز هست و اگر قرار باشد که فقط شخصیت حقیقی، مسئول شناخته شود و مسئولیت کیفری فقط متوجه وی گردد، سرنوشت خود شخص حقوقی که جرم به نفع آن ارتكاب یافته و از این مجرا برای آن نفع و سودی رسیده، چگونه خواهد بود؟

با لازم‌الاجرا شدن کد جزای افغانستان در سال ۱۳۹۶ که جای قانون جزای ۱۳۵۵ را گرفت، قانون‌گذار در ماده ۸۵ این قانون بدون تغییرات اساسی و مهم، حکم فقره ۱ ماده ۸۶ قانون جزای منسوخ را تکرار کرده؛ صرفاً با این تفاوت که در قانون قبل آمده بود «اشخاص حکمی»، ولی در قانون جدید، به درستی آمده است «شخص حکمی».

ماده ۸۵ کد جزای افغانستان مسئولیت شخص حکمی را چنین بیان می‌کند: «شخص حکمی به استثنای مؤسسه‌ها، دوایر و تصدی‌های دولتی، از جرایمی که ممثلین، رؤسا یا وکلای آنها در اثنای اجرای وظیفه، به نام و حساب شخص حکمی مرتکب می‌گردند، مسئول شناخته می‌شود.» با توجه به ماده یادشده و مثال بالا می‌توان چنین نتیجه گرفت که شخص حقوقی در صورتی مسئول شناخته می‌شود که جرم را ممثلین، رؤسا و وکلای شرکت‌ها که لزوماً اشخاص حقیقی هستند، در صورت تخلف در حین اجرای وظیفه به نام و یا حساب شرکت فوق، مسئول شناخته شوند که درحقیقت از این مجرا همان شخص حقوقی مجازات می‌گردد. این حکم را فقره ۱ ماده ۹۶ قانون جزای ۱۳۵۵ نیز تأیید کرده بود.

در ادامه تلاش می‌شود تا مواد ذکر شده و موارد مشابه آن مطالعه و بررسی شود. برای اینکه بتوان مسئولیت کیفری را به اشخاص حقوقی منتسب کرد و آنها را مسئول دانست، لازم است تا شرایط زیر درباره آنها احراز گردد.

### ۱) وقوع جرم توسط ممثل، رئیس و وکیل در حین اجرای وظیفه

با وجود موانعی در زمینه استناد جرم به شخص حقوقی و مسئولیت کیفری آن، نظام کیفری کشورهای مختلف روش‌های متفاوت برای حل آن ارائه داده‌اند، برای نمونه: نظریه مسئولیت نیابتی، نظریه برابرنگاری (شخصیت ثانوی)، نظریه مافوق و کارفرما، نظریه تجمع، نظریه مسئولیت سازمانی و نظریه قدرت و پذیرش. از میان نظریه‌های فوق، قانون‌گذار افغانستان نظریه مافوق و کارفرما را پذیرفته که این نظریه ریشه در حقوق امریکا دارد.

در حوزه حقوق کار و در حوزه مسئولیت مدنی، برخی قواعد خاص وضع شده که متفاوت از قواعد عام هستند؛ یعنی در حوزه حقوق کار، با نگاه حمایتی به کارگر که دارای وضع ضعیف مالی هستند و نیز برای اینکه از آنها سوء استفاده نشود و این مورد از بین برود، قانون‌گذار افغانستان به مسئولیت کارفرما توجه داشته است. برای مثال، نتواند از کارفرما سوء استفاده کند و به جای ۴ کارگر ۲ کارگر استخدام نماید و آنها را ملزم به کار در ساعات زیادی کند. پس براساس قاعده فقهی «من له الغنم فعلیه العزم»، لازم است تا کارفرما مسئول دانسته شود تا دقت بیشتری در کار خود لحاظ کند. این نظریه ابتدا در حوزه حقوق مدنی و کار مطرح شد و بعدها وارد حقوق کیفری نیز گردید. بنابراین، در این نظریه دو شرط بیان شده است: اول- جرمی که توسط کارمند شخص حقوقی صرف نظر از جایگاه وی ارتکاب یافته، باید در راستای وظایف وی باشد. دوم، کارمند، جرم را در راستای انتفاع شخص حقوقی، مرتکب شده باشد.

شرایط فوق در ماده ۸۵ کد جزا نیز چنین بیان شده که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی غیردولتی را نسبت به جرایم ارتکاب ممثلین، رؤسا و وکلایی که در اثنای ایفای وظیفه سازمانی رخ داده باشد، پذیرفته است. ضمانت اجرای این مسئولیت، جزای نقدی، مصادره دارایی، متوقف ساختن فعالیت تا زمانی معین و انحلال آن با رعایت قوانین و مقررات مربوط، و موارد مقرر در قانون است. پس بر مبنای مواد ۸۵، فقره ۲، مواد ۲۸۱، ۳۵۱، ۳۷۴، ۵۰۰، فقره ۲، مواد ۵۴۳، ۵۴۴، ۸۱۲ و ۸۹۴ کد جزا، و ماده‌های قابل پیش‌بینی در دیگر قوانین، نسبت به جرایمی که به حساب اشخاص حقوقی یا به نام آنها، نهادها یا نمایندگانشان مرتکب می‌شوند، از لحاظ کیفری مسئول خواهند بود. بنابراین، با توجه به ماده ۸۵ کد جزای افغانستان، اشخاص حقوقی زمانی مسئولیت کیفری پیدا می‌کنند که جرم را یکی از افراد ذکر شده در این ماده مرتکب شده باشد که در ادامه به تفسیر بیشتر این اشخاص می‌پردازیم:

## ۱-۱. وقوع جرم توسط ممثلین

قانون‌گذار افغانستان در ماده ۸۵ کد جزا و ماده ۹۶ قانون جزای ۱۳۵۵ از عبارت «ممثل حقوقی» استفاده کرده است. اینکه «ممثل» به چه افرادی اطلاق می‌گردد، در قانون صراحتی ندارد و تعریفی از آن نیامده است، اما اگر معنای لغوی و عرفی آن مدنظر گرفته شود، شاید بتوان هر شخص کارمند و مستخدم را ممثل اشخاص حقوقی دانست؛ زیرا به کسی می‌توان ممثل شخص حقوقی گفت که از نظر عرف و منطق بتوان رفتار او را رفتار شخص حقوقی خواند. به بیان دیگر، تمثیل‌کننده، اراده شخص حقوقی باشد و از دید منطقی، این اجازه را داشته باشد که رفتار آن کارمند، به شخص حقوقی نسبت داده شود و تصمیم او تصمیم شخص حقوقی تلقی گردد. (ظفرنژاد، ۱۳۹۲، ص ۱۰۷)

قانون‌گذار در ماده ۸۵ کد جزای افغانستان عین عبارت را ذکر کرده، ولی تعریف خاصی از ممثل نیآورده است و برای بررسی این عبارت، باید به قانون شرکت‌های تضامنی و قانون مدنی مراجعه کرد.

در برخی از مواد قانون شرکت‌های تضامنی، قانون‌گذار مصداق‌هایی از ممثلین آن را ذکر کرده است. برای نمونه، مطابق با ماده ۱۲۸، قانون شرکت‌های تضامنی چنین تعریف شده است: «مأمور تصفیه شرکت تضامنی عام، در حال تصفیه ممثل شخصیت حکمی شرکت در برابر محاکم یا دیگر شخصیت‌های حکمی است.» از این رو، مطابق با بیان قانون‌گذار در ماده فوق، مأمور تصفیه، مصداق و نمونه بارز از ممثل اشخاص حقوقی است. براساس ماده ۱۱۶ قانون شرکت‌های تضامنی، مأموران تصفیه عبارتند از: «۱- اشخاصی که در عقد شراکت تضامنی عام به حیث مأمورین تصفیه تعیین شده باشد. ۲- اشخاصی که در عقد شراکت تضامنی تعیین نشده باشد، و اشخاصی که توسط شرکا قبل یا بعد از انحلال شرکت تضامنی عام، من حیث مأمورین تصفیه تعیین شده باشند. ۳- هرگاه مأمورین تصفیه تعیین نشده باشند، هر یکی از شرکا یا وکلای قانونی‌شان، مأمور تصفیه معاملات شرکت تضامنی عام شمرده می‌شوند. در صورت مراجعه هر یک از شرکا، مأمورین تصفیه از طرف محکمه مربوطه تعیین می‌گردند.» پس مأمور تصفیه می‌تواند مصداقی از ممثلین شرکت (اشخاص حقوقی) باشد که از طرف آن نمایندگی می‌کند.

مسئولیت مأموران تصفیه مطابق با ماده ۱۴۴ قانون شرکت‌های تضامنی چنین است: «... در مقابل شرکا و اشخاص ثالث در مورد اقدامات انجام‌شده توسط قائم مقام یا سایر نمایندگان که از طرف مأمورین تصفیه جهت پیش‌برد وظایف محوله در برابر شرکت تضامنی عام تعیین شده‌اند، مسئول می‌باشند.» در این صورت، مأموران تصفیه که جزو نمایندگان اصلی اشخاص حقوقی هستند، در صورت تخلف دیگر کارمندان، مسئول خواهند بود. همچنین براساس ماده ۳۴ قانون مدنی افغانستان: «هر شخص حکمی، دارای ممثل می‌باشد که از اراده آن نمایندگی می‌نماید.» یعنی

ممثلین، اعم از رئیس و وکیل است که درحقیقت، همان نماینده قانونی شخص حقوقی است که در راستای اهداف آن کار می‌کند و نمایندگی دارد.

### ١-٢. وقوع جرم توسط رؤسا

«رؤسا» جمع کلمه رئیس و رئیس در لغت به معنای سردار است. در اصطلاح، رئیس به کسی گفته می‌شود که سررشته یک یا چند امر اداری را در اختیار دارد و یک یا چند عضو به اطاعت از او امر او می‌پردازند. (جعفر لنگرودی، ١٣٦٣، ص ٣٢٦) از این تعریف می‌توان نتیجه گرفت که رئیس اداره، اختیارات گسترده دارد که چندین بخش اداره را رهبری می‌کند. تعریف حقوقی از رئیس، در قوانین وجود ندارد، اما هیئت مدیره، مصداقی از رؤسا است. هیئت مدیره، دارای یک «رئیس» و یک «نایب رئیس» است که در اولین جلسه هیئت مدیره انتخاب می‌شوند و هدایت هیئت مدیره برعهده آنان است. (تقی زاده، ١٣٩٤، ص ١٤٥)

مطابق با ماده ٤٢٧ قانون مدنی افغانستان: «هیئت مدیره شخصی را از جمله اعضای خود یا دیگر اعضای جمعیت به حیث رئیس تعیین می‌نماید.» انتخاب هیئت مدیره مطابق با ماده ٣٦ قانون شرکت‌های محدودالمسئولیت عبارت است از: «١- رئیس هیئت مدیره از میان اعضای هیئت مدیره، توسط مؤسسین یا سهامداران انتخاب می‌گردد؛ مگر اینکه در اساس نامه شرکت طور دیگری تصریح گردیده باشد. ٢- رئیس هیئت مدیره، ریاست جلسات هیئت مدیره و سهامداران را به عهده داشته، و در صورت عدم حضور رئیس، وی می‌تواند عضو دیگری از هیئت مدیره را جهت ریاست جلسه تعیین نماید. در صورت عدم تعیین عضو هیئت مدیره از طرف رئیس، اعضای هیئت مدیره، رئیس جلسه را تعیین می‌نمایند.»

همچنین مطابق با ماده ٣٠٤ قانون تجارت افغانستان: «اعضای هیئت مدیره در هر سال از میان خود، رئیس و در صورت لزوم، معاون رئیس را انتخاب می‌کند.» با توجه به توضیحات فوق، رئیس و معاون رئیس را هیئت مدیره انتخاب می‌کند. شخص حقوقی نمی‌تواند رئیس یا معاون رئیس هیئت مدیره باشد، بلکه شخص حقیقی نماینده او در هیئت مدیره، در حکم عضو هیئت مدیره است که می‌تواند در سمت‌های ذکر شده، ایفای وظیفه نماید. وظایف رئیس هیئت مدیره، در ماده ٤٢٨ قانون مدنی بیان شده است: «شخصی که از طرف هیئت مدیره به حیث رئیس تعیین می‌شود، امور مربوط به پیشنهاد، تقرر موظفین، تطبیق مجازات تأدیبی، ملاحظه اسناد، مصرف و مراقبت تنفیذ تصاویر مجمع عمومی و هیئت مدیره را انجام می‌دهد؛ مشروط بر اینکه در اساس نامه جمعیت، خلاف آن تصریح نشده باشد.»

پس باید توجه داشت که رئیس هیئت مدیره از هیئت مدیره جدا نیست و هر جا که در قانون از هیئت مدیره یا اعضای آن صحبت شده، منظور رئیس هیئت مدیره نیز بوده و مسئولیت‌های کیفری و مدنی مقرر در مورد او نیز صدق خواهد کرد.



## ۱-۳. وقوع جرم توسط وکلا

«وکلا» جمع کلمه وکیل، در لغت به معنای کسی است که شخصی انجام کارهای خود را به او واگذار می‌کند. (معین، ذیل واژه وکلا) «نمایندگی» در لغت به معنای نماینده بودن، وکالت (از طرف کسی) کارگزاری (نماینده شرکت)، وکالت مجلس و آژانس به کار رفته است و در اصطلاح به معنای اعم، صفت شخصی است که اقدام به انجام اعمال حقوقی برای شخص دیگری (به نام شخص دیگر) به استناد قدرت قانونی (نمایندگی قانونی) و یا به استناد اختیار ناشی از قرارداد (نمایندگی قراردادی) می‌کند و نتیجه اقدام او ایجاد یک تعهد یا یک حق به عهده یا به نفع منوب عنه است. تعریف مزبور، ولی، وصی، قیم، وکیل، حق العمل کار، نماینده حمل، دلال، متصدی حراج، نماینده فروش و انواع نمایندگان تجارتهی را شامل می‌گردد. (امیر معزی، ۱۳۸۸، ص ۳۵)

براساس بیان قانون‌گذار در ماده ۸۵ قانون اجرائات جزایی افغانستان: «وکیل مدافع، مساعد حقوقی، ولی، وصی و قیم می‌باشد.» استفاده از عبارت «وکیل» در ماده ۸۵، این اجازه را به محاکم افغانستان خواهد داد تا نه تنها اشخاص حقوقی را در قبال عملکردهای نمایندگان قانونی و واقعی اشخاص حقوقی مسئول بداند، بلکه نمایندگان قراردادی که می‌توان عنوان وکیل را برای آنها صادق دانست نیز می‌توانند برای اشخاص حقوقی، مسئول آفرین باشند. قانون‌گذار در ماده ۱۵۵۴ قانون مدنی بیان داشته است: «وکالت، عقدی است که به موجب آن، موکل، شخص دیگری را در تصرفات قانونی و معلوم، قائم مقام خود می‌سازد.» قانون وکلای مدافع، وظیفه وکیل را در فقره ۶ ماده ۱۰ آن چنین بیان می‌دارد: «یکی از وجایب آنها ارائه مشورت‌های حقوقی به اشخاص حقیقی و حکمی می‌باشد.» همچنین در ماده ۱۵۵۹ قانون مدنی افغانستان آمده است: «هر عقدی را که موکل می‌تواند مستقیماً انجام دهد، انجام آن توسط وکیل نیز جواز دارد.» قانون‌گذار در ماده ۱۵۶۷ قانون مدنی هم بیان داشته است: «وکلائی متعدد به عقد واحد، مسئولیت تضامنی دارند؛ مشروط بر اینکه وکالت، قابل تجزیه نبوده یا ضرر عاید بر موکل، نتیجه خطای مشترک آنها باشد. تجاوز یکی از وکلای متضمن از حدود وکالت یا سوء اجرائات وی در تنفیذ آن، مسئولیت تضامنی را بار نمی‌آورد.»

بنابراین، از ماده فوق چنین برداشت می‌گردد که صرف خطای یکی از وکلا، مسئولیت جزایی را باز نخواهد آورد، بلکه باید تمام وکلا با اشتراک و تفاهم همدیگر یک کاری را انجام داده باشند تا مسئولیت تضامنی را به بار بیاورد. با استناد به ماده ۷۷۴ قانون تجارت افغانستان: «اگر وکالت کسی که به حیث وکیل و یا ممثل یک شخص حرکت می‌کند، حقیقت پیدا نکند و یا معامله‌ای که خارج از صلاحیت انجام داده است، از طرف موکل تصویب نشود، بالذات مسئول همان معامله است.» انجام معاملات خارج از صلاحیت ممثل و وکیل، اعتباری ندارد و باید موکل، آن را تصویب کرده باشد.

بر اساس آنچه گذشت، یکی دیگر از شرایط بارشدن مسئولیت کیفری برعهده شخص حقوقی، آن است که وکیل یا وکلای آن، رفتاری جرمی را برای نفع بردن و به نام و یا حساب شخص حقوقی مرتکب شوند.

#### ۱-۴. وقوع جرم توسط مدیران

«مدیر» در لغت به معنای اداره کننده و گرداننده کاری است. در اصطلاحات اداری، مأموری است عالی رتبه که در رأس یک مؤسسه کار می کند و در اصطلاحات بازرگانی، کسی است که گردش کارهای جاری بنگاه یا شرکت به دست اوست، مانند مدیر شرکت بازرگانی و مدیر کاراژ و غیره. مدیر انواع زیادی دارد: مدیر ترکه، مدیر تصفیه، مدیر ثبت و مدیرعامل (جعفر لنگرودی، ۱۳۶۳، ص ۶۳۲). ارتکاب جرم توسط کارمند شخص حقوقی، برپایه بی اطلاعی یا نبود نظارت مدیر در جزء ۳، فقره ۳، ماده ۵۰۰ کد جزای افغانستان چنین آمده است: «هرگاه در نتیجه مدیریت یا نظارت ناکافی، برای کارکن یا نماینده شخص حکمی، زمینه اشتراک شخص حقوقی یا کارکن یا نماینده وی در ارتکاب جرم پول شویی فراهم گردد و در نتیجه، آن شخص حکمی منتفع شود، شخص حکمی به مجازات مندرج فقره های ۱ و ۲ این ماده محکوم می گردد.» بنابراین، مطابق ماده ۳۳۹ قانون تجارت: «مدیرها اجرای بعضی معاملات را که بدان مجاز باشند، می توانند به دیگری تفویض کنند، ولی وظیفه مدیریت خود را نمی توانند به دیگری بسپارند.» از این جهت، دیده می شود که مدیریت شرکت را تنها مدیران آن انجام می دهند. مطابق با فقره ۲ ماده ۳ قانون کارکنان خدمات ملکی: «مشمول بر مأمور و کارکنان (مأمور، کارگر و کارکن خدمات) قراردادی اعم از زن و مرد می باشد». پس اگر بر اثر مدیریت یا نظارت ناکافی، کارکن اداره یا نماینده شخص حقوقی منتفع گردد، باز هم شخص حقوقی مجازات خواهد شد؛ چراکه کارمند و مدیر، متعلق به شخص حقوقی است. در واقع شخص حقوقی در احداث جرم سهیم است. چنان که قانون گذار افغانستان در ماده ۵۴۴ کد جزای این کشور بیان داشته است: «هرگاه در نتیجه مدیریت یا نظارت ناکافی بر کارکن یا نماینده شخص حقوقی، زمینه اشتراک شخص حقوقی یا کارکن یا نماینده وی در ارتکاب جرم مندرج این فصل فراهم گردد و در نتیجه آن، شخص حقوقی منتفع شود، شخص حقوقی به مجازات مندرج فقره ۱ این ماده محکوم می گردد».

به نظر می رسد که قانون گذار خواسته است مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به صورت غیر مستقیم، بر اثر ترک فعل کارمندان بالاتر تبه بیان نماید که همین منتفع شدن شخص حقوقی، مسئولیت کیفری خواهد داشت؛ زیرا در ابتدای بحث بیان گردید که اشخاص حقوقی، بدون اراده و شعور هستند تا بتوان مسئولیت کیفری را به آنها تحمیل کرد. در واقع نمایندگان شرکت ها مرتکب جرم می شوند و بر اثر همین خطا و اشتباه که به صورت عمدی یا غیر عمدی است، اشخاص حقوقی به صورت غیر مستقیم متقبل مجازات می شوند.

باتوجه به موارد فوق و موارد مشابه در کد جزای افغانستان، قانون‌گذار افغانستان نظریه مافوق و کارفرما را پذیرفته است. همچنین قانون‌گذار افغانستان در فقره ۴ ماده ۵۴۴ کد جزا بیان داشته است: «تطبیق مجازات مندرج این ماده برای شخص حکمی، مانع تطبیق مجازات بر اشخاص حقیقی نمی‌گردد.» پس چنین نیست که تنها اشخاص حقوقی مجازات شوند، بلکه اشخاص حقیقی نیز مسئول خواهند بود و قانون‌گذار با توجه به این ماده، راه فراری برای اشخاص حقیقی نگذاشته است.

### ۱-۵. وقوع جرم حین اجرای وظیفه

یکی دیگر از شرایط بارشدن مسئولیت برعهده اشخاص حقوقی، وقوع جرم حین اجرای وظیفه است. بنابراین، وجود شرایط زیر برای تکمیل آن لازم است:

۱-۵-۱. وجود وظیفه که بر اثر مقررات قانونی و یا روابط اجتماعی به وجود آمده باشد؛

۱-۵-۲. اطلاع از وجود وظیفه؛ زیرا مطلقاً نمی‌توان شخصی را که نسبت به وظیفه خود آگاهی

ندارد، مسئول شناخت؛

۱-۵-۳. توانایی در انجام وظیفه؛ هر چند دو مورد اول تحقق یابد، ولی هرگاه شخص، از انجام

عمل عاجز باشد، نمی‌توان آن را مسئول شناخت. (ظفرنژاد، ۱۳۹۲، ص ۳۱)

با توجه به توضیحات پیشین، جرم باید در اثنای اجرای وظیفه صورت گرفته باشد؛ به این معنا که شخص جرم را در راستای وظایف خود انجام داده و آگاهی از انجام وظیفه و یا توانایی انجام آن را داشته باشد. دیگر زمان آن مهم نیست، شاید بعضی وقت‌ها خارج از وظیفه هم باشد؛ همین‌که در راستای وظایف خود مرتکب جرم می‌شود، برای مجرم دانستن او کافی است.

### ۲) رفتار مجرمانه به نام و حساب شخص حقوقی

جرامی که نمایندگان اشخاص حقوقی، به نام و حساب شخصی خود آنها تحقق می‌یابند، مرتکب و مباشر جرم، قابل مجازات دانسته می‌شود و مسئولیتی متوجه شخص حقوقی نخواهد شد؛ ولی اگر اعمال مجرمانه به نام و حساب شخص حقوقی باشد، این شخص حقوقی باید پیامدهای بار مسئولیت آن را به دوش بکشد؛ چنان‌که قانون‌گذار در ماده ۳۵۱ کد جزا بیان داشته است: «هرگاه جرم مندرج ماده ۹۲۱ این قانون به نام و یا حساب مؤسسه حمل و نقل هوایی ملکی ارتکاب یافته باشد، افزون بر مجازات شخص حقیقی، مؤسسه حمل و نقل هوایی، ملکی به جزای نقدی بیش از پنج میلیون افغانی و یا به تعلیق موقت فعالیت تا سه ماه، محکوم می‌گردد». از آنجا که قانون‌گذار افغانستان در این ماده، از کلمه «یا» استفاده کرده، صرف وجود یکی از این دو شرط، کافی است. بنابراین، اگر نماینده قانونی شخص حقوقی، جرم را به نام شخص حقوقی، اما به نفع خود، مرتکب شود و نفع آن تنها به خود وی برسد، شخص حکمی، مسئولیت کیفری نخواهد داشت. حال اگر هدف شخص به‌گونه‌ای باشد که ضرری به شخص حقوقی برساند؛ تحمیل مسئولیت به شخص

حقوقی منصفانه نباشد و خلاف عدالت را جزایی خواهد بود. درضمن، عمل ارتكابی در جهت نفع رساندن به شخص حقوقی باید باشد، اما از این نظر که به نام نماینده انجام شده، در این صورت، باز هم شخص حقوقی به لحاظ کیفری، مسئولیت خواهد داشت.

از آنجا که بحث «نام شخص حقوقی» و «به نفع شخص حقوقی»، دو عبارت متفاوت است و این موارد مورد توجه جدی قانون‌گذار افغانستان بوده است که در ذیل به بررسی هر دو عنوان می‌پردازیم.

## ۱-۲. به نام شخص حقوقی

اشخاص حقوقی، همانند اشخاص حقیقی، از روی نام و مشخصاتی که برای آنها معین می‌شود، شناسایی می‌گردند؛ زیرا اشخاصی که دارای شخصیت حقوقی هستند، با این شخصیت می‌توانند طرف دعوا و حق و تکلیف قرار گیرند. از این رو، باید با نام و مشخصاتی از دیگران شناخته شوند تا بتوانند با دیگران رابطه برقرار نمایند. (مقصودی، ۱۳۹۱، ص ۴۵) بدیهی است که جرم باید به نام شخصی حقوقی باشد. هرگاه شخص حقیقی (نمایندگان شخص حقوقی) جرم را به نام خود مرتکب شوند، هرچند در هنگام ایفای وظیفه نیز باشند، اشخاص حقوقی در قبال آن مسئولیتی نخواهد داشت. البته ملاک مشخصی که بتوان با آن، میان رفتاری که به نام خود شخص انجام می‌یابد و رفتاری که به نام شخص حقوقی انجام می‌شود، تفکیک قائل شد، در قوانین وجود ندارد. پس این مورد را باید از عنصر روانی شخص مرتکب به دست آورد. (ملک‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۲۲۷).

انجام وظیفه «به نام» شخص حقوقی؛ یعنی اینکه نماینده قانونی، عمل را رسماً و عملاً از طرف شخص حقوقی انجام دهد، نه از طرف خود. برای مثال، مدیر شرکت در معامله‌ای که از طرف شرکت انجام می‌دهد، مرتکب کلاهبرداری از طرف معامله شود، ولی اگر به نام خود انجام دهد، مسئولیت کیفری شخص حقوقی را در بر نخواهد داشت.

## ۲-۲. به حساب شخص حکمی

مسئله است که چه اشخاص حقوقی و چه اشخاص حقیقی، دست به ارتکاب جرم می‌زنند تا از رهگذر آن نفعی به دست آورند. هیچ خردمندی تن به پیامدهای عمل مجرمانه نمی‌دهد؛ مگر تصور کند از آن، نفعی عایدش می‌شود. کشورهای جهان معمولاً یکی از شرایط تحقق مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را منفعتی می‌دانند که به حساب شخص حقوقی انجام شده باشد. (ظفرنژاد، ۱۳۹۴، ص ۱۲۹).

باتوجه به بیان فوق، این سؤال وجود دارد که بین انجام عمل به حساب شخص حقوقی، و انجام عمل به نفع شخص حقوقی چه تفاوتی وجود دارد؟ آیا هر دو یک معنا را می‌دهد و یا هرکدام معنای خاصی خود را دارند؟ در پاسخ به این پرسش باید بیان داشت که «به حساب» یا «به نفع»، هرکدام از

یکدیگر جدا هستند. انجام رفتار در راستای منافع اشخاص حقوقی؛ یعنی اینکه نماینده او مثلاً معامله‌ای را با در نظر گرفتن منافع شخص حقوقی انجام می‌دهد و هدف آن، منفعت شخص حقوقی است. این می‌تواند جنبه مادی و یا معنوی داشته هم باشند. همچنین یا قطعی یا احتمالی، و یا مستقیم یا غیرمستقیم نیز می‌تواند ظهور نماید. برای مثال، هنگامی که اداره‌کننده شرکت، به ضرر شرکت رقیب، اقدام به تبلیغات غیرواقعی و نشر اکاذیب می‌کند، شرکت، مرتکب جرم شده است.

بنابراین، اگر نماینده، جرم ارتكابی را تنها برای به منفعت رسیدن خویش انجام دهد، تنها خود او مسئول شناخته خواهد شد و شخص حقوقی به جرم هیچ ارتكابی، محکوم نمی‌شود. در جایی هم شاید جرم را در راستای منافع اقلیت اعضای شرکت انجام دهد نه اکثریت شرکت، که در این صورت نیز جرم، به شخص حقوقی نخواهد بود و ضروری نیست که شرکت واقعاً نفع برده باشد؛ همین‌که در راستای منافع شرکت اقدام به جرم نموده باشد نیز کفایت می‌کند، چنان‌که قانون‌گذار افغانستان در ماده ۷۷۲ قانون تجارت این کشور بیان داشته است: «اگر وکیل مبلغی را که به حساب موکل گرفته، برای مقاصد معینه استعمال ننماید، طوری که از تاریخ گرفتن پول، مجبور به پرداخت تکت پولی است. همچنین مسئول جبران خسارت، عدم ایفای وکالت هم هست. اگر حيله و خدعه به کار برده باشد، مورد تعقیبات جزائیه نیز قرار خواهد گرفت.»

اگر پولی از حساب شخص حقوقی گرفته می‌شود، باید در جهت منافع خود آن استفاده شود و یا برعکس اگر منفعتی عاید شخص حقوقی می‌شود، باید به حساب شخص حقوقی واریز گردد. پس می‌بینیم که واریز به حساب، لزوماً به منفعت نیست.

بنابراین، قانون‌گذار افغانستان در کد جزا تحقق هر یک از این شرایط، وقوع جرم به نام و حساب یا در راستای منفعت شخص حکمی را برای شکل‌گیری مسئولیت کیفری شخص حقوقی، کافی می‌داند.

### نتیجه‌گیری

مطابق با آنچه در تحقیق حاضر گذشت، می‌توان به نتایج زیر دست یافت که شخص حقوقی، متشکل از یک عده اشخاص حقیقی است که برای انجام فعالیت مشخص با یکدیگر متحد می‌گردند و گردهم جمع می‌شوند. این اشخاص (حقوقی) به دو نوع (شخص حقوقی عام و شخص حقوقی خاص) تقسیم می‌شوند که دسته اول، از مسئولیت کیفری معاف هستند و قابل پیگیری نیستند؛ اما دسته دوم (شخص حقوقی خاص) که ناشی از اراده افراد خصوصی به شکل جمعیت‌ها، وقف، مؤسسه‌ها، شرکت‌های مدنی یا تجارتي به وجود می‌آیند و هدف از تشکیل آنها برآورده شدن مقاصد مادی و یا انتفاعی و یا غیرانتفاعی است، طبق احکام قانون براساس منشور یا اساس‌نامه مربوط فعالیت می‌نماید، دارای مسئولیت کیفری هستند.

در حال حاضر با انکشاف نهادها، شخصیت‌های حقوقی و جرایم مرتبط به آنها، نظام کیفری افغانستان برای مسئول قراردادن آنها، از نظریه کارگر و کارفرما پیروی کرده است. بنابراین، در صورتی می‌توان ارتکاب جرم را به اشخاص حقوقی منتسب دانست که شرایط زیر وجود داشته باشد: ۱- جرم از سوی ممثلین، رؤسا، وکلا و مدیران آنها اتفاق افتاده باشد. ۲- جرم، به نام، حساب و یا نفع آنها ارتکاب یافته باشد. ۳- باید ارتکاب فعل مجرمانه در راستای وظایف آنها باشد که در قانون یا اساس‌نامه برای آنان معین شده است. در غیر این صورت، شخص حقوقی سزاوار سرزنش نیست و نمی‌توان مسئولیت کیفری را برای آنها بار کرد.

## منابع

۱. تقی زاده، ابراهیم و سید احمدعلی هاشمی، حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ اول، تهران: نشر خرسندی، ۱۳۹۴.
۲. جعفر لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، بی‌چاپ، تهران: نشر راستاد، ۱۳۸۶.
۳. رسولی، محمد اشرف، حقوق جزای عمومی، کابل: نشر واژه، ۱۳۹۶.
۴. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: نشر گنج، ۱۳۹۲.
۵. شریفی، محسن، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان، چاپ اول، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۴.
۶. ظفرنژاد، محب‌الله، مسئولیت جزای اشخاص حقوقی (در نظام حقوقی افغانستان و ایران، چاپ اول، کابل: نشر مقصودی، ۱۳۹۴).
۷. معزی، احمد امیر، نیابت در روابط تجاری و مدنی، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۸.
۸. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، چاپ نهم، تهران: نشر امیر کبیر، ۱۳۸۵.
۹. مقصودی، مراد، حقوق مدنی (۱) اشخاص و محجورین، چاپ دوم، تهران: نشر خرسندی، ۱۳۹۱.
۱۰. ملک‌زاده، فهیمه، اصطلاحات تشریحی حقوق جزا (عمومی و اختصاصی)، تهران: نشر مجد، ۱۳۸۹.
۱۱. موسوی مجاب، سید ترد، نقش اراده در مسئولیت کیفری، چاپ اول، تهران: نشر بهنامی، ۱۳۸۸.
۱۲. قانون اجرائات جزایی افغانستان/ مصوب ۱۳۹۳.
۱۳. قانون تجارت افغانستان/ مصوب ۱۳۸۸.
۱۴. قانون جزای افغانستان/ مصوب ۱۳۵۵.
۱۵. قانون شرکت‌های تضامنی افغانستان/ مصوب ۱۳۵۵.
۱۶. قانون شرکت‌های محدودالمسئولیت/ مصوب ۱۳۹۶.
۱۷. قانون کار افغانستان/ مصوب ۱۳۸۵.
۱۸. قانون کد جزای افغانستان/ مصوب ۱۳۹۵.
۱۹. قانون مدنی افغانستان/ مصوب ۱۳۵۵.